

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: مایکل ئیتس
برگردان از: نیکو پوروزان
۲۸ فبروری ۲۰۱۷

در ستایش خلق ویتنام، و در نکوهش قاتلان شان!

۳



آراستن چهره کریمه جنگ از جیمی کارتر تا اوباما

یول در مقاله‌اش این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا هیچ گاه به درستی جنگ ویتنام را درک خواهیم نمود؟ وی در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که در حال حاضر اکثریتی از جوان‌های امریکائی، هژده تا بیست-و-نه ساله، بر این باورند که فرستادن نیرو به ویتنام اشتباه نبود. این واقعیت اگرچه تأسف برانگیز است، اما، بر اساس تجربه طولانی‌ام به عنوان یک معلم می‌توانم بگویم که به هیچ روی تعجب برانگیز نیست. حاکمان سیاسی، تقریباً تمامی رسانه‌های بستر اصلی، به همراه بخشی از محققان، فلمسازها، گروه‌های تحقیقاتی دست راستی، و نهادهای نظامی از روزی که ارتش ویتنام شمالی و جبهه آزادیبخش ملی به پیروزی نهائی رسیده و کشورشان را آزاد کردند تا کنون کارزار بی‌وقفه‌ای را به راه انداخته‌اند که تا حقایق جنگ را از حافظه عمومی زوده و به جایش تاریخ دروغینی را بنشانند. نخست، پرزیدنت جیمی کارتر بی‌شرمانه اعلام نمود که نیازی نیست که ایالات متحده عذرخواهی کند زیرا که ویران‌سازی "از

¹ این مقاله با عنوان Honour the Vietnamese, Not Those Who Killed Them در شماره ۱ از دوره ۶۷ ماهنامه مانته‌لی ری‌ویو (مه ۲۰۱۵) درج شده است. نویسنده مقاله مایکل دی. ئیتس (Michael D. Yates) از همکاران سردبیر است.

سوی هر دو طرف درگیر در جنگ" بوده است.^۲ سپس، نوبت به رونالد ریگان رسید که تا جنگ [ویتنام] را "آرمانی شریف" بنامد.

حال، پرزیدنت پارک اوباما برپائی "یادبود جنگ ویتنام" را اعلام نموده است.^۳ قانون واگذاری دفاع ملی مصوب سال ۲۰۰۸ وزیر دفاع را مجاز به برپا سازی مراسم برای یادبود پنجاهمین سالگرد جنگ ویتنام می‌سازد. این قانون مراسم یادبود سیزده ساله‌ای را در نظر دارد که از روز یادبود سال ۲۰۱۲ شروع شده و در یازده نوبت سال ۲۰۲۵ به پایان می‌رسد. اوباما در روز آغازین این مراسم اعلامیه‌ای صادر نمود که شامل سخنان مشعشع زیر است:

در پنجاهمین سالگرد جنگ ویتنام با احترامی عمیق بر شجاعت نسلی درنگ می‌کنیم که با افتخار خدمت نمود. به سه میلیون نظامی مرد و زنی ادای احترام می‌کنیم که خانواده‌شان را برای خدمتی شجاعانه ترک نموده و به جهانی رفتند به دور از هر آن چه که برای‌شان آشنا بوده و به دور از هر چیزی که به آن عشق می‌ورزیدند. از یا درانگ تا خه سان، از هونی تا سایگون و بی‌شمار دهکده‌های بینابین، از میان جنگل‌ها و مزارع برنج، در میان گرما و باران‌های موسمی، قهرمانانه برای دفاع از ایده‌آلهائی جنگیدند که برای ما امریکائی‌ها بسیار گران قدر است. این امریکائی‌های سربلند در خلال بیش از یک دهه از نبرد هوائی، زمینی و دریائی والاترین سنن نیروهای مسلح ما را پاس داشتند.^۴

تمامی این گفته‌ها، از اول تا آخرش، دروغ محض است. از این گفته‌ها هیچ وقت نمی‌توان دریافت که،

- سازمان سیا از طریق برنامه موسوم به **فینکس** ده‌ها هزار ویتنامی را که مظنون به عضویت در جبهه آزادیبخش ملی بوده و یا هوادار آن بودند به قتل رساند. محققین علوم اجتماعی، مهندسين و دانشمندان امریکائی در این جنایت دست داشتند.
- بیش از پنج میلیون ویتنامی به زور از دهکده‌های‌شان رانده شده و با زور در لجنزارهای موسوم به **دهکده‌های ستراتیژیک** اسکان داده شدند.
- هزاران زندانی سیاسی ویتنامی در قفس‌های موسوم به **"قفس ببر"** زندانی و شکنجه شده، و در آن حال رها شده تا بمیرند و یا آن که از بیماری‌های جسمی و روحی خرد کننده رنج بکشند.

کجای این کارها را می‌توان دلاورانه نامید؟ کدام ایده‌آله‌های گرانقدر در این گونه عملیات نهفته است؟

بر اساس آن چه که در تارنمای این یادبود آمده است بر عهده وزیر دفاع است تا برنامه‌هایی را برای دستیابی به اهداف زیر تدارک ببیند:

² Jimmy Carter, "The President's News Conference," March 24, 1977, The American Presidency Project, <http://www.presidency.ucsb.edu>.

³ The information in the next three paragraphs, unless otherwise noted, is taken from the Commemoration's web site: <http://vietnamwar50th.com>. I first reported on this in 2003; see Michael D. Yates, "Oliver Stone, Obama, and the War in Vietnam," January 11, 2013, <http://cheapmotelsandhotplate.org>.

⁴ President of the United States of America, "Commemoration of the 50th Anniversary of the Vietnam War," May 25, 2012.

این پرآگراف تازه آغاز این اعلامیه است. در ادامه از این هم بدتر می‌شود: "به عنوان یک ملت حق شناس، به بیش از پنجاه-هشت هزار نفر که جان‌شان را فدا نمودند و اسامی تک‌تک‌شان بر این دیوار حک شده است ادای احترام می‌کنیم. از آن قهرمان‌هایی الهام می‌گیریم که به عنوان اسیر جنگی رنج و شکنج بسیار کشیدند، ولی با سری بلند به وطن بازگشتند. با آن‌هایی که مجروح شده و هنوز هم زخم‌های جنگ را با خود حمل کرده و نادیده‌ها را دیده‌اند، پیمان می‌بندیم. در حالی که بیش از هزار-هشتصد نفر از ارتشی‌ها هنوز در زمره مفقودین هستند، ما از جایگاه این ملت، پیمان می‌بندیم که هر چه که در توان داشته باشیم به کار بندیم تا این میهن‌پرستان را به میهن بازگردانیم. در بازتاب این دیوار اعضای خانواده‌های نظامی‌ها را می‌بینیم که دردی را با خود حمل می‌کنند که شاید هیچ‌گاه از شدتش کاسته نگردد. اما، این واقعیت که عزیزان‌شان در قلوب تمامی امریکائی‌ها جای دارند که برای ابد مدیون فداکاری، شجاعت و خدمات‌شان هستند، به آن‌ها آرامش می‌بخشد."

(۱) سپاس و احترام به سربازان جنگ ویتنام، شامل پرسنلی که اسیر جنگی بودند، و یا آن که به عنوان مفقود در عملیات ذکر شده‌اند، برای خدمت و فداکاری‌شان برای ایالات متحده؛ و هم چنین سپاس و احترام به خانواده‌های‌شان.

(۲) برجسته نمودن خدمات نیروهای مسلح در طول جنگ ویتنام و مایه گذاری آژانس‌های فدرال و سازمان‌های دولتی و غیر-دولتی که به همراه نیروهای مسلح و یا به عنوان پشتیبانی خدمت نمودند.

(۳) ادای احترام به مایه گذاری‌های مردم ایالات متحده در طول جنگ ویتنام در جبهه داخلی.

(۴) برجسته نمودن پیشرفت‌های تکنولوژیک، علمی، و پزشکی وابسته به تحقیقات نظامی که در طول جنگ ویتنام صورت گرفت.

(۵) ارج گذاری بر همکاری و فداکاری‌های متحدین ایالات متحده در طول جنگ ویتنام.

اگرچه همه این نکته‌ها ترسناک‌اند، اما به ویژه نکته چهارم روی نازی‌ها را سفید می‌کند. بی تردید روزی را هم خواهیم دید که یادمان **جنگ علیه ترور** (اگر که روزی به پایان برسد) برگزار گردد و آن وقت هست که به ما بیاموزند که این جنگ اعجاز هواپیماهای بی‌سرنشین را به ارمغان داشته است.

برخی از مخالفان این جریان بر این باورند که ادای احترام به سربازان جنگ ویتنام شایسته بوده، اما ارتشی که کشور را به جنگ کشانید نباید در رأس این کار قرار داشته باشد. در پاسخ باید گفت که ادای احترام تنها شایسته آن سربازانی است که شهامت آن را داشتند که به رغم تمامی خطراتی که تهدیدشان می‌کرد به مخالفت با جنگ برخیزند. از آن گذشته، ارتش کشور را به جنگ نکشانید. بلکه، این کار نخبگان سیاسی، اقتصادی و روشنفکران بود. فراموش نکنیم که **جیمی کارتر** بذله گوئی فرمودند که "ویرانی دوجانبه بوده است." واقعیت این است که تمامی این تشریفات چیزی جز تبلیغات امپریالیستی نیست. بنابراین، نباید از مطالبی که در تارنمای این تشریفات جا داده شده دغدغه خاطر داشت. هر روز دروغ‌های بسیاری توسط آموزگاران در مدارس و دانشگاه‌ها به خورد فرزندان ما داده می‌شود.^۵

اما، بسیار به جا می‌بود که اگر جنگ به طور انتقادی بررسی شده و تجلیل از آن با مخالفت وسیع مردمی همراه با جلسات آموزشی، تظاهرات و راه پیمائی‌ها همراه می‌شد. در چنین صورتی، می‌شد این حرکات را به جنگ تمام ناشدنی و مرگبار به اصطلاح علیه ترور و پروسه تبدیل ایالات متحده به یک نظام پولیسی نیز تعمیم داد.^۶ این گونه آموزش انتقادی است که می‌تواند در برابر هژمونی و سیطره فراگیر اقتصاد سیاسی که بر تمامی پهنه‌های حیات ما چنگ انداخته است مقاومت بیافریند. همان طور که آنری ژیرو یادآوری می‌کند، یکی از مهم‌ترین عمل‌کردهای آموزش انتقادی زنده نگه داشتن حافظه تاریخی است تا شاهدی صادق برای حقایق گذشته باشد و بدین ترتیب سیاست امروز را به یک دموکراسی سرزنده بدل سازد. بر ماست که همواره بر آن چه که قدرتمندان می‌گویند شک ورزیده و از هر آن چه که عدالت‌خواهانه و آزادیبخش است جانبداری کنیم. حافظه تاریخی در این لحظه مشخص به مثابه شکلی از آموزش عمومی عمل می‌کند که نه تنها روایت مسلط "ماشین انگار-زدای امریکا" و جنگ-ستائی‌اش را زیر سؤال می‌برد، بلکه هم چنین طرز تفکر جامعه امریکا در باره توحشی که در ویتنام اعمال شده و خشونت دولتی و میلیتاریسم را

^۵ در این جا دو پراگراف را خلاصه نموده و در این پاراگراف جا داده‌ام. (م)

^۶ The film *The Kill Team* shows that the same kind of training and the same kicking of civilians as in Vietnam is still standard operating procedure in Iraq and Afghanistan. For more on the war on terror and the incipient U.S. police state, See Henry A. Giroux, *Zombie Politics in the Age of Casino Capitalism*, 2nd edition (New York, Peter Lang, 2014).

عوض می‌کند.^۷ اما، در عین حالی که گفته‌های ژیرو را می‌پذیریم، بر عهده ماست که پیش از هر چیزی بر آن چه که ایالات متحده بر خلق ویتنام روا داشته و این که چگونه این خلق در برابر قدرتمندترین ارتش جهان مقاومت نموده و آن را به زانو درآورد تأکید کنیم. ایالات متحده در این جنگ تلفات بسیاری داشته و آن‌هایی هم که زنده ماندند کماکان از درد آن جنگ طولانی رنج می‌برند. اما، این همه در مقایسه با بی‌رحمی‌هایی که بر خلق ویتنام روا شد، خوشبختی که هنوز بخشی از زندگی روزمره‌شان است، رنگ می‌بازد. احترام، بزرگداشت و یادآوری تنها شایسته این مردم است. آن‌ها دلاورانه برای آزادی خویش از سلطه خارجی جنگیده و در این راه رنج بسیاری کشیدند. با الهام از رنج و شکنج این خلق باید تلاش خود را در مبارزه علیه جنگ‌طلبی و امپریالیسم ایالات متحده دو چندان کرده و به هدف ایجاد جامعه‌ای عادلانه سازمان‌های نوینی را بنا نهیم.

برای نوشتن این مقاله از منابع زیر کمک گرفته‌ام:

Books

- Joshua Bloom and Waldo Martin, *Black Against Empire: The History and Politics of the Black Panther Party* (University of California Press, 2013).
- Philip Caputo, *A Rumor of War* (New York: Macmillan, 1977).
- Frances Fitzgerald, *Fire in the Lake: The Americans and Vietnamese in Vietnam* (New York: Little, Brown and Company, 1972).
- Võ Nguyên Giáp, *The Military Art of People's War* (New York: Monthly Review Press, 1970).
- Graham Greene, *The Quite American* (London: Penguin Classics, 2004 Reprint Edition, originally published in 1955).
- David Halberstam, *The Best and the Brightest* (New York: Random House, 1972).
- Michael Herr, *Dispatches* (New York: Knopf, 1977).
- Andrew E. Hunt, *The Turning: A History of Vietnam Veterans Against the War* (New York: NYU Press, 1999).
- James Simon Kunen, *Standard Operating Procedures: Notes of a Draft-age American* (New York: Avon, 1971).
- Tim O'Brian, *The Things They Carried* (Boston: Houghton Mifflin, 1990).
- Oliver Stone and Peter Kuznick, *The Untold History of the United States* (New York: Gallery Books, 2012).
- Nick Turse, *Kill Anything that Moves: The Real American War in Vietnam* (New York: Henry Holt and Co., 2013)

⁷ Henry A. Giroux, *The Violence of Organized Forgetting* (San Francisco: City Lights Book, 2014). Also, see, Henry A. Giroux, *On Critical Pedagogy* (New York: Continuum, 2011). The phrase "America's disimagination machine" was coined by professor Giroux as part of his subtitle to the former book.

- Michael Uhl, *Vietnam Awakening: My Journey from Combat to the Citizens' Commission of Inquiry on US War Crimes in Vietnam* (Jefferson, NC: McFarland Publishing, 2007).
- Douglas Valentine, *The Phoenix Program* (Bloomington, IN: iUniverse, 2000).

Articles

- Leo Cawley, "An Ex-Marine Sees Platoon," *Monthly Review* 39, no. 2 (June 1987): 6-18.
- Col. Robert D. Heinl, Jr., "The Collapse of the Armed Forces," *Armed Forces Journal*, June 7, 1971, <http://msuweb.montclair.edu>.
- Neel Sheehan, "Should We have War Crimes Trials?," *New York Book Review*, March 28, 1971, <http://msuweb.montclair.edu>.
- Sheryl Gay Stolberg, "Paying Respects, Pentagon Revives Vietnam, and War Over Truth," *New York Times*, October 9, 2014, <http://mytimes.com>.

Films

- Anderson Platoon, The (1967)
- Apocalypse Now (1979)
- Berkeley in the Sixties (1990)
- Born on the Fourth of July (1989)
- Deer Hunter, The (1978)
- Fog of War, The (2003)
- Full Metal Jacket (1987)
- Hearts and Minds (1974)
- Kill Team, The (2013)
- Most Dangerous Man in America, The (2009)
- Platoon (1986)
- Quiet American, The (1958 and 2002)
- Same, Same But Different (2012)
- Sir! No Sir! (2005)
- Untold History of the United States, The, Showtime Television series (2012)
- Vietnam, American Holocaust (2008)
- Winter Soldier Investigation (1972)